

معنی واژه‌ها:

باره: اسب / خرگه: خرگاه، خیمه به ویژه خیمه بزرگ گران: سنگین، عظیم / سیماب گون: به رنگ جیوه، جیوه ای سیماب: جیوه / افسر: تاج و کلاه پادشاهان دمار از کسی کشیدن: دمار از کسی برآوردن، کنایه از نابود کردن کسی

توضیح ابیات

به مغرب سینه مالان قرص خورشید/نهان می گشت پشت کوهساران

قلمرو ادبی: بیت تشخیص دارد / قرص خورشید تشبیه

فرو می ریخت گردی زعفران رنگ/به روی نیزه ها و نیزه داران

قلمرو ادبی: گرد زعفران رنگ استعاره از نور زرد خورشید مفهوم: بیت های ۱ و ۲ غروب خورشید را می رسانند.

بیت ۴ مفهوم شدت جنگ را میرساند.

به خوناب شفق در دامن شام /به خون الوده ایران کهن دید

قلمرو ادبی: خوناب شفق اضافه تشبیهی / دامن شام اضافه استعاری مفهوم: از بین رفتن ایران

در آن دریای خون در قرص خورشید / غروب افتاب خویشتن دید

قلمرو ادبی: دریای خون استعاره سرخی آسمان / غروب افتاب خویشتن دیدن کنایه از نابودی حکومت / آفتاب استعاره

از عمر مفهوم: به پایان رسیدن زندگی

در بیت ۹ خون دیده استعاره از اشک است.

چواتش در سپاه دشمن افتاد / ز آتش هم کمی سوزنده تر شد

قلمرو ادبی: چواتش تشبیه / مصراع دوم اغراق و کنایه از نابود کنند.

در آن باران تیر و برق پولاد/میان شام رستاخیز می گشت

قلمرو ادبی: باران تیر اضافه تشبیهی / پولاد مجازا شمشیر

در آن دریای خون دردشت تاریک/به دنبال سر چنگیز می گشت

قلمرو ادبی: دریای خون استعاره میدان جنگ / سر مجازا وجود

بدان شمشیر تیز عافیت سوز/ در آن انبوه کار مرگ میگرد

قلمرو ادبی: عافیت سوز **کنایه** از کشنده / کار مرگ کردن **کنایه** از کشتن

ولی چندان که برگ از شاخه می ریخت/ دوچندان می شکفت و برگ می کرد

قلمرو ادبی: برگ **استعاره** از سربازان مغولی / شاخه **استعاره** از سپاه مغول/ برگ کردن **کنایه** از زیاد شدن مغولی ها

در بیت ۱۵ ترکیب رقص مرگ یک **اضافه استعاری** است.

در بیت ۱۷ دل شب دریدن **کنایه** از حرکت کردن در تاریکی است.

از این سد روان در دیده شاه / زهر موجی هاران نیش می رفت

قلمرو ادبی: سد روان **استعاره** از رود سندو **پارادوکس** هم هست/ **تشبیه** هم دارد بیت / نیش در دیده رفتن **کنایه** از آزار دیدن.

ز رخسارش فرو می ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می دید

قلمرو ادبی: بنای زندگی **اضافه تشبیهی** / بنای زندگی بر آب دیدن **کنایه** از از بین رفتن زندگی

در آن سیماب گون امواج لرزان / خیال تازه ای در خواب می دید:

قلمرو ادبی: **تشبیه داریم** / خیال تازه ای در خواب دیدن **کنایه** از فکر تازه ای داشتن

دمار از جان این غولان کشم سخت / بسوزم خانمان هاشان به شمشیر

قلمرو ادبی: غولان **استعاره** از مغولان / سوزاندن خانمان ها **کنایه** از نابود کردن زندگی

به پیش دشمنان استاد و جنگید/ رهاند از بند اهریمن وطن را

قلمرو ادبی: اهریمن **استعاره** از مغولان مفهوم: **مقاومت در برابر دشمنان برای آزادی وطن**

در بیت ۲۵ **کنایه** و در بیت ۲۶ **تشبیه و کنایه** داریم

زمستی برس هر قطعه زین خاک / خدا داند چه افسرها که رفته

قلمرو ادبی: خاک **مجازا** سرزمین / افسر **مجازا** پادشاهان / رفتن افسرها **کنایه** از فدا شدن بزرگان

www.my-dars.ir

کنج حکمت: چوسرو باش

معانی کلمات:

برومند: بارآور، میوه دار / نامور: معروف

تشریح بعضی از مطالب

تشخیص دارد به این دلیل که به سرو ویژگی آزادی رو داده است / دل منه کنایه از دل بسته نشو / از دست برآمدن کنایه از قدرت داشتن

مای دررس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir